

متن پرسش

سلام. سوالی که از خدنتان دارم این است که نظر شما درباره ی نحوه ی عملکرد تشکل آرمان در دانشگاه و نگاه این تشکل در باره ی غرب و عبور از آن و همچنین نحوه ی ورود دوستان در این موضوع و همچنین نسبتی که تشکل در رابطه با رهبری و جایگاه و نظر خاص رهبری دارد چیست؟ از شما بارها شنیده شده که فرمودید رهبری در حال مدیریت کشور به سمت الگوی اسلامی است و نگاهشان نسبت به غرب به صورت نفی کلی است و فرموده اید که مگر می شود ایشان متوجه به این موضوع نباشند. اما سوال این است که بنده هر چه فکر کردم نمی توانم این را درک کنم که رهبری چگونه این مدیریت را انجام می دهد؟ هر چه فکر می کنم می بینم رهبری مدام در حال تاکید به گرفتن تکنولوژیهای پیشرفته و گسترش آنها هستند که با این تئوری گزینش تکنولوژی نمی خواند و به نظر می رسد که ایشان معتقد به نگاه سوم نیستند. لذا از شما می خواهم که لطف کرده و استراتژی آقا را در عبور از غرب برایمان تبیین کنید چون این مطلب به صورتی شایع در بین دوستان وجود دارد که رهبری قطعاً نگاه دوم است. با توجه به مطالبی که دوستان آرمان به شما دادند می خواستیم پاسختان را به صورت تفصیلی و مستدل نسبت به افق انقلاب و نحوه ی مدیریت آن و همچنین جایگاه رهبری و به تبع آن اشکالات و محسنات نشریات آرمان را بیان کنید. با تشکر

متن پاسخ

سمه تعالی؛ علیک السلام بنده معتقدم نه تنها مقام معظم رهبری «حفظه الله» بلکه هر متفکری متوجه است که تکنولوژی با فرهنگ خاصی ساخته شده و در هر جایی که بیاید فرهنگ خاص خود را به همراه می آورد و به جز افراد خاصی که منور به خودآگاهی و دل آگاهی هستند، تحت تأثیر فرهنگ خاص همراه با تکنولوژی قرار می گیرند، حرفی در این نیست. حرف در این است که در حال حاضر چه باید کرد که نه کشور را گرفتار طالبانیسم کنیم و از اسلام یک چهره ی زشت دور از تعقل بسازیم و نه مسحور تکنولوژی شویم و تا آخر در ذیل غرب باشیم. به نظرم مقام رهبری با بصیرتی حکیمانه و با تأکید بر علم و پیشرفت و نه بر تکنولوژی و سعی می کنند روح علمی را در جامعه ما نهادینه کنند، وقتی نظر به علم و حتی به همان شکلی که فعلاً غرب دارد و به میدان آمد خود به خود به ضرورت های بومی جامعه نظر می شود و این مرحله ی دوم مدیریت مقام معظم رهبری است که تأکید خواهند کرد بر کشف و اختراع آنچه این ملت حقیقتاً نیاز به آن دارد و چون در آن شرایط زیرساخت های روح علمی از قبل فراهم است به راحتی ما از تحمیل هایی که تکنولوژی غربی به ما کرده

است آزاد می‌شویم. بنده در این امر تفاوت معتزله و فیلسوفانی مثل فارابی و ابن‌سینا را مدّ نظر قرار می‌دهم که معتزلیان مقلدانه در بست تسلیم گفته های فیلسوفان یونان شدند □ مثل آقای هاشمی که مقهور تکنولوژی غرب شد □ ولی فلاسفه با فیلسوفان یونانی برخورد علمی و عقلی کردند و همین امر باعث شد که در دل فلسفه عقل رشد کرد و تا آنجا جلو آمد که منجر به حکمت متعالیه شد. حکمت متعالیه‌ای که تماماً روح تشیع در آن جاری است و هرگز نمی‌توانیم آن را با فلسفه‌ی یونان قابل مقایسه دانست. برخورد علمی با غرب چنین نتایجی به همراه دارد که پس از مدتی ما را به جایی می‌رساند که بر اساس فرهنگ خود و با روحیه‌ی علمی که به‌دست آورده‌ایم ابزارهای مناسب زندگی خود را می‌سازیم و تمدنی که مورد نظرمان است شکل می‌دهیم. آن چه مرا در این تحلیل تا حدی مطمئن می‌کند این سخن رهبری است که در دیدار خود با جمعی از نخبگان علمی کشور در تاریخ ۶/۸/۱۳۸۸ در عین تکیه بر روی علم و تحقیق، موضوع «شکستن مرزهای علمی موجود» را به میان می‌کشند تا جهت‌گیری علمی کشور مطابق فرهنگ دینی جلو رود. می‌فرمایند: «علم را اهمیت بدهید. این که من سال‌هاست روی مسئله‌ی علم، تحقیق، پژوهش، پیشرفت، نوآوری، شکستن مرزهای علمی موجود تکیه می‌کنم، به خاطر این است. بدون انواع دانش، اقتدار کشور امکان‌پذیر نیست. دانش اقتدار می‌آورد. یا درجایی دیگر می‌فرمایند: «ما وقتی می‌گوئیم پیشرفت، نباید توسعه‌ی بی‌مفهوم رائج غربی تداعی بشود. امروز توسعه، در اصطلاحات سیاسی و جهانی و بین‌المللی حرف رائجی است. ممکن است پیشرفتی که ما می‌گوئیم، با آن چه که امروز از مفهوم توسعه در دنیا فهمیده میشود، وجوه مشترکی داشته باشد - که حتماً دارد - اما در نظام واژگانی ما، کلمه‌ی پیشرفت معنای خاص خودش را داشته باشد که با توسعه در نظام واژگانی امروز غرب، نایستی اشتباه بشود. آن چه ما دنبالش هستیم، لزوماً توسعه‌ی بی‌غربی - با همان مختصات و با همان شاخصها - نیست.» (۲۷/۲/۱۳۸۸)

موفق باشید